

شورا های ولایتی،  
دریچه‌یی به سوی بسیج  
ملی

نویسنده: عبدالمجیب

« »

: 1389 هـ. ش / 2010

کتاب:

نام کتاب : شورا های ولایتی، دریچه‌یی به  
نویسنده : سوی بسیج ملی  
عبدالمجیب خلوتگر  
شماره مرکز مذ  
در پوهنتون کابل (ACKU)  
188  
تیراژ: 1389 هجری شمسی  
1000  
: (89) صفحه  
سایز: 13.5 × 21 سانتی متر  
صفحه آراء: مرکز مذبح معلومات افغانستان  
در پوهنتون کابل (ACKU)  
مرحل توزیع رفیع الله شاهپور، مرکز خدمات  
کمپیوتری شبیر.  
مطبعة طباعتی و صنعتی صبور  
از مطالب کتاب با ذکر مأخذ  
مركز مذبح معلومات افغانستان  
پوهنتون کابل (ACKU)

بسم الله الرحمن الرحيم

سیزده سال قبل (1996 / 1375 ه.ش) مرکز منبع نشراتی و اطلاعاتی اکبر، پروگرامی را تحت نام کتابخانه های سیار اریک، روی دست گرفت و تا (2005 / 1384 ه.ش) تحت نام فوق الذکر فعالیت داشت. بعد از تاریخ متذکره (اریک) منحیث یک نهاد مستقل به نام مرکز منبع معلومات افغانستان در پوهنتون کابل (ACKU) عرض اندام نموده و به فعالیت های فرهنگی و تحقیقاتی خود به صورت گسترده تداوم بخشیده

یکی از عرصه های کاری (ACKU) کتابخانه های سیار تشکیل می دهد. کتابخانه های سیار که به شکل صندوق های فلزی ساخته شده اند، در محل خاصی گذاشته می شوند. مردم منطقه کتاب ها را طور عاریت می برند، می خوانند و به مردم گرد و نواح خویش می شنویند. وقتی تمام کتاب های کتابخانه در منطقه خوانده شد، کتابخانه به منطقه دیگری انتقال داده می شود و یا تعدادی از کتاب های جدید به آن علاوه گردیده در همان محل باقی می ماند. ما تلاش ورزیده ایم برای کتابخانه های سیار، ها و نشراتی را گرد آوریم که زبان نگارش آن ساده و روان بوده، مطالب مورد نیاز مردم را داشته باشد، تا آن ها را در زنده گی روزمره شان در مسایل دینی، اجتماعی، اقتصادی، تعلیمی، تربیتی، صحی، تاریخی، فنی، مسلکی و...

در پهلوی پروگرام کتابخانه ها، ما سروی را نیز انجام می دهیم که مردم به چه نوع آثار

و معلوماتی نیاز دارند و آرزومند مطالعه کدام موضوعات و مطالب اند. ما نخست کوشش می‌نماییم تا مواد و کتاب‌های تقاضا شده را از منابع مختلف (کتاب‌فروشی‌ها، مراکز نشراتی) تهیه و خریداری کنیم. در صورت عدم موجودیت

می‌ورزیم تا با تألیف، ترجمه و چاپ آثار مورد نیاز، این خلاء را پر نماییم. به منظور تحقق این هدف مساعی برای چاپ و نشر کتاب‌های مورد نظر خواننده‌گان با هماهنگی مؤسسات محترم همکار انجام گرفته، گام‌های استواری برداشته شده و فعالیت‌های ثمر بخشی صورت گرفته است. برای کار بهتر و منظم، هیأتی مشترک از نماینده‌گان این مرکز و عده‌یی از محققان و نویسندگان انتخاب گردیده‌اند تا مراحل پلان‌گذاری، آماده‌ساختن، چاپ و انتشار کتاب‌های مطلوبی را که توسط مؤلفان و نویسندگان ماهر و مسلکی تألیف می‌شود، به صورت مشترک به پیش‌برند.

این هیأت متشکل است از همکار صمیمی افغان‌ها؛ خانم نانی هج دوپری - شکیب افضلی، فیض محمد نایاب - عطایی، معاون سر محقق سید محی‌الدین هاشمی و مشعل سمسور.

ما از خواننده‌گان عزیز خویش در دهات و شهرهای مختلف کشور که از کتابخانه‌های ما مستفید می‌گردند، توقع داریم که نیازها، خواسته‌ها، پرسش‌ها و پیشنهادات خویش را بفرستند و از نویسندگان و دانشمندان وطن عزیز خود تقاضا می‌کنیم که در این راه با ما همگام گردند تا بتوانیم برای مردم خود کتاب‌های بهتر و مفیدتری را تقدیم نماییم.

اداره کتابخانه های مرکز منبع معلومات  
افغانستان در پوهنتون کابل  
دوم



**مقدمه ..... 2-1**

**: شورا های ولایتی و نقش آن در زنده گی مردم**

**12-3**

شورا چیست؟، قدامت شورا ها در جهان، اسلام و شورا ها، اهمیت و موقف شوراها در اسلام

**شورا های ولایتی چیست؟ ..... 37-13**

انواع شورا های ولایتی در افغانستان، ضرورت ایجاد شورا های ولایتی، تشکیل شورا های ولایتی، خصوصیات یک شورای ولایتی خوب، شوراها و ولایتی چه طور به وجود می آیند؟، خصوصیات اعضای یک شورای خوب ولایتی، شیوه های کار شورا های ولایتی، چه کسانی در کار شوراها و ولایتی سهم بیشتر می گیرند؟، فواید شوراها و ولایتی برای مردم

**: شوراها و ولایتی در افغانستان**

**56-38.....**

اهداف ایجاد شورا های ولایتی، شرایط ایجاد یک شورا ولایتی خوب، وظایف شورا های ولایتی، شرایط تدویر جلسات شورا های ولایتی، چه طور مردم در تشکیل و تداوم شورا ها سهم می کردند؟

**فصل چهارم: شورا های ولایتی و انکشاف اجتماعی ... 67-57**

روشهای انکشاف اجتماعی، تهدید ها علیه شورا های ولایتی و راه حل آنها

## 78-68. **اهای ولایتی در روشنائی و انین نافذه ی کشور**

وظایف و صلاحیت های شورای ولایتی، وظایف  
روساء و اعضای شورا، رفتار و کردار اعضای  
شوراهای ولایتی، اجلاس شوراهای ولایتی فصل سوم،  
اولین اجلاس، نصاب جلسات و مصوبات، جلسات،  
فصل چهارم - تعلیق و انحلال شوراهای ولایتی، حالت  
تعطیل، حالت انحلال، شکایت علیه عضو شورا،  
ارتکاب جرم، کمیته ها، تعلق کرسی، امتیازات  
نیازمندی شورا ها، همکاری شورا ها



زنده گینامه مختصر نویسنده :

**عبدالمجیب خلوتگر** فرزند عبدالحمید متولد 1352 خورشیدی در مربوطات ولسوالی اناردره ولایت فراه.

**تحصیلات:** در 1367 خورشیدی از لیسه عالی استاد خلیل الله خلیلی و در 1376 از دیپارتمنت تعمیرات پوهنزی ساختمانی پوهنتون پولی تخنیک کابل فارغ گردیده است. 1382 - 1383 به دوره های آموزشی

خبرنگاری و مدیریت رسانه ها و 1384 دوره های آموزشی انرژی و رسانه ها در کشور های هند، سریلانکا و برازیل، در 1386 دوره های آموزشی چگونگی حل منازعات از طریق رسانه ها در کشور های جرمنی و بلجیم و کورس خبرنگاری شهروندی در ایالات متحده امریکا پرداخته اند. **تجارب کاری:** 1381 - 1382 خورشیدی، انجنیر در شرکت ساختمانی کابل آریانا، 1382 - 1385 مسؤول بخش خبری دفتر انترنیوز، 1385 - 1387 رئیس دفتر نی، حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان (Nai)، 1388 سرطان 1389 هماهنگ کننده رسانه های آزاد در انستیتوت جامعه باز و از سرطان 1389 تا کنون رئیس اجرایی دفتر نی، حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان (Nai).

: ترجمه داستان اولیور تویست (Oliver Tuist) و نشر یک سلسله مقالات علمی، ادبی و تحقیقی در برخی جراید، روزنامه ها و مجلات کشور.

**آثار آماده چاپ:** نقش رسانه ها در انکشاف اجتماعی، کراچی وان (داستان)، عنصر حماسه در مثنوی معنوی، دیوان اشعار...

شورا ها در افغانستان، گذشتهء طولانی دارد، در بسا از کتب تأریخی در مورد افغانستان به عنوان کشور جرگه ها یا شورا ها یاد آوری شده است. با توجه به عدم امکانات کامل مفاهمه یی در کشور و از سوی دیگر با توجه به گستردهگی هنجار های فکری، فزیکتی و اجتماعی در کشور، شورا ها همواره در لایه های مختلف، در قوانین نافذۀ کشور پیشینی شده است. یکی از این شورا های پیش بینی شده، همانا شورا های ولایتی در افغانستان است.

شورا های ولایتی که در بسا موارد از آن ها به نام پارلمان های محلی و ولایتی نیز یاد شده است، یکی از نهاد های انتخابی مردمی است که حد فاصل بین مردم و حاکمیت حساب می گردد. این شورا ها از یک سو یک پشتوانۀ مؤثر برای مجلس بزرگان یا همان مشرانو جرگه بوده و از سوی دیگر به عنوان یک مشاور خوب در میان حاکمیت محلی در سطح ولایات عمل می کنند.

باید خاطر نشان ساخت که در پهلوی شورا های ولایتی انتخابی در افغانستان، شورا های ولایتی اجتماعی و حتی گاهی هم شورا های ولایتی غیر رسمی مردمی نیز وجود دارد.

نوشتهء حاضر بیشتر در مورد شورا های ولایتی انتخابی بحث خواهد نمود. هر چند شروع این نوشته از آغاز

شورا ها در سطح گیتی و از ابتدای آن بحث خواهد داشت و همچنان به این نکته ها نیز خواهد پرداخت که شورا ها چه گونه تشکیل شده و چه گونه کارآیی خواهد داشت. این نبشته و البته در اخیر آن، به مواردی چون محاسن و معایب و همچنان به چالش های موجود فرا راه شورا های ولایتی در کشور خواهد پرداخت. این نبشته در پهلوی تذکر کارهایی که از طریق شورا ها در کشور انجام شده، به شیوه های کاری شورا ها و تا حد ممکن به توقعات مردم از این شورا ها می پردازد. پایان این نبشته را مدارک قانونی در مورد شوراهای ولایتی و نشر آنها تشکیل خواهد داد.

امید وارم آنچه در این ناچیز آمده است، بتواند اندکی به معلومات شما بیافزاید، در صورت مشاهده خطا یا هم خطا ها در این جزوه که فکر می کنم کم هم نیست، دیده اغماض را باز نموده و از سویی هم ما را از طریق نشانی های که درج این کتاب است در تصحیح آن کمک نمائید.

به امید سعادت هموطنان عزیز  
عبدالمجیب «خلوتگر»

## شورا های ولایتی و نقش آن در زنده گی مردم

شورا چیست؟

شورا یک کلمهء عربی بوده که به معنی مشوره کردن و تبادل نظر، در مورد خاصی به کار می‌رود. شورا در زبان فارسی- دری به معنای نشست یا گردهمایی هدفمند جمعی از بزرگان و مو سفیدانی می باشد که به خاطر حل یک معضل و یا هم به خاطر نمایندگی از یک محل یا قوم و یا ولایت تشکیل می شود، مانند شورای محل...، شورای مردم ولایت... یا شورای اهل حل و عقد در صدر اسلام.

بعضی اوقات شورا به مفهوم نشست هم استفاده می شود، مثلاً بزرگان قوم... به خاطر حل مشکل قلت آب نوشیدنی صحرای و یا قلت آب زراعتی شورا می کنند یا شورا دایر می کنند.

شورا ها را می توان شکل داوطلبانه یک گروهی از مردم دانست که در یک محیط خاص جغرافیایی زنده گی کرده و برای رفع مشکلات شان به شکل دسته جمعی کار و فعالیت می کنند.

شوراها همچنان تشکل اجتماعی و فرهنگی مردم یک محل، یک شهر و یا یک کشور است به منظور تشخیص و تفکیک مشکلات و نیازمندی های اساسی مردم. در موجودیت شورا ها، مردم مشکلات خود را خود تشخیص و تفکیک نموده و در طرح، تطبیق و مواظبت از برنامه های مربوط، جهت رفع مشکلات متذکره کار، همکاری و سهمگیری مشترک می نمایند لذا تدویر شورا ها یک پروگرام اجتماعی و فرهنگی بوده به خاطر انکشاف جامعه و سهمگیری مردم در کار های انکشافی محل، خود کفایی و حل مشکلات مردم توسط خود مردم عملی می گردد.

لذا هدف از این پروگرام عبارتند از:

- بسیج مردم به منظور حل مشکلات موجود.
  - تشویق سهمگیری مردم در همکاری با طرح و تطبیق پروگرام های انکشافی.
  - تثبیت و انتقال مشکلات مردم به مراجع ذیربط.
  - رفع آنعده مشکلات مردم که حل آن توسط خود مردم ممکن است.
  - تقسیم عادلانه کمک و امتیازات در بین مردم.
- شورا ها را می شود به صورت رسمی و در روشنایی قانون ایجاد کرد و اما هم می شود شورا ها را به طور عنعنوی و غیر رسمی نیز ایجاد کرد. مثلاً شورای قانون اساسی در افغانستان یک نهاد رسمی می باشد. در حالیکه شورای رفع مشکل آب و یا شورای قومی در یکی از ولایات، شوراهای غیر رسمی باشند.

در قانون اساسی و سایر قوانین نافذه ی کشور، شورا به معنی جرگه نیز آمده و از آن به عنوان یک نهاد (به اصطلاح قانون شخصیت حکمی) یاد می‌گردد. در قانون اساسی افغانستان شورا هم‌ردیف با جرگه به هدف معرفی مجلس بزرگان (مجلس اعیان) یا مشرانو جرگه و مجلس نماینده‌گان یا ولسی جرگه با پسوند ملی نیز آمده است:

"شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به حیث عالی ترین ارگان تقنینی مظهر اراده‌ی مردم افغانستان است و از قاطبه‌ی ملت نماینده‌گی می‌کند. (فصل پنجم، ماده هشتاد و یکم)

در این جا شورا یک نهاد دولتی بوده که وظیفهء قانون گذاری را به عهده داشته و از جانب دیگر از تمامی مردم افغانستان هم نماینده گی می‌کند.

## ها ر جهان:

یونان باستان یکی از عمده ترین سرچشمه های شورا و حکومت شورایی به شمار می آید. این مرز و بوم به سبب شرایط جغرافیایی و تاریخی خود ترکیبی از مدینه های گوناگون یا «دولت شهرهای» کوچک بود. قرار مدارک تاریخی، هر کدام از این شهرها برای خود قانون اساسی خاص خویش را داشته اند. مگر این دولت شهر از دو جهت با دولت به معنای امروزی کلمه تفاوت دارد: نخست ابعاد جغرافیایی آنها، دولت شهر مجتمعی بود از شهروندان که از رهگذر گونه ای دموکراسی مستقیم اداره می شد. مردم در میدانهای عمومی اجتماع می کردند تا از راه انتخابات یا قرعه کشی، فرمانروایان را منصوب یا معزول دارند. همچنین برای بررسی سیاست ها و گرفتن تصمیمات مهم به طور منظم گرد هم می آمدند! به این ترتیب، هر شهروندی خود هم فرمانروا بود و هم فرمانبردار، مسئولیت ها به مدت کوتاهی به افراد برگزیده مردم واگذار می شد. یعنی ادواری بودن حکومت که بعداً در حکومت های مدرن به عنوان اصل پذیرفته می شود. در این دولت، شهر اصل بود. در دوره ی زمامداری اشکانی ها مجلس سه گانه ای به نام های «شورای خانواده گی»، «شورای بزرگان» که اجتماع آن به نام «لهستان» نامیده میشد، وجود داشت و در واقع ترکیبی از اعضای خانواده سلطنتی و نماینده گان آریستوکراسی بود. با گسترش شهر نشینی و افزایش

نفوس، دیگر امکانی برای اعمال این گونه دموکراسی های مستقیم وجود نه داشت و به تدریج اندیشمندان و سیاستمداران به فکر ایجاد نظام دموکراسی غیر مستقیم و نظام نماینده گی مردم از طریق انتخابات برآمدند. این نظام اولین بار در انگلستان اجرا گردید و در عمل نماینده گان رعایا یا شهروندان انتخاب شدند، تا سهمی از قدرت سلطان را نظیر تصویب مالیات، وضع قوانین، نظارت بر عملکرد مأموران اجرایی را از آن خود کنند و از آنجا که از اعتماد مردم برخوردارند، به نام آنان بخواهند و به نام آنها عمل نمایند. بعد از وقوع انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ م نظام نماینده گی و شورایی چه به صورت نظام پارلمانی و چه به صورت شورای شهر گسترش و رواج زیادی در کشورهای مختلف جهان نمود و امروزه تقریباً اصل شورای شهر در اکثر کشورهای توسعه یافته و کمتر توسعه یافته، پذیرفته شده و جزء اصولی از قانون اساسی آنها گردیده است. هر چند از لحاظ کمیت و کیفیت کار با هم تفاوتی دارند. در تاریخ معاصر کشور عزیز ما افغانستان، پس از استرداد استقلال کشور در 1298 هـ.ش در عهد زمامداری اعلحضرت امیر امان الله خان، نظام شورایی به صورت رسمی ایجاد شد و مفکوره ی یک نظام شورایی به منصفه ی اجرا و تطبیق قرار گرفت و متعاقب آن تدویر جرگه ها و لویه جرگه های آن عصر نیز تلاشی بود، برای شناسایی زنده گی شورایی و تعیین حد و حدود قوانین آنزمان.



متعاقب آن تدویر شورا و تصویب قانون اساسی کشور در 1343 هـ. ش در عهد زمامداری اعلحضرت ظاهرشاه است که به تأسی از آن آزادی مطبوعات نیز به صورت واقعی آن بین سالهای 1343 هـ. ش - 1352 هـ. ش تحقق یافت و در تاریخ معاصر کشور ما این دوره، به نام دوره‌ی دهه‌ی دموکراسی معروف است.

#### ا ه ا

دین مبین اسلام با توجه به اینکه دین رهنمودی همه عالم بشریت است، همیشه از طبیعت بشر صحبت نموده و آنچه به عنوان راهکار برای اهداف انسانی پیشنهاد می کند، در آن خیر محض بشر بوده است.

اسلام در بسا موارد از شورا و مشوره بحث کرده است. آیه‌ی از قرآن کریم می فرماید "وامرهم شوریٰ بینهم" مفهوم این آیه مبارک این است که در امور زنده گی باهم شورا نمایید.

چه در زمان زنده گی پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد (ص) و چه بعد از آن، همیشه آموزه های اسلامی بر مشوره و شورا تمرکز داشته است.

روایات اسلامی حاکی از آن است که پیامبرگرامی اسلام (ص) در همه امور مربوط به اسلام، چه امور سیاسی و چه امور مالی، به مشورت می پرداخته است. حضور صحابه ی کرام در کنار آن حضرت (ص)، بازگو کننده مشاورت و تشکیل یک مجمع به خاطر شورا است.

از دیدگاه جمع‌کثیری از علما و فقهای اسلام، مواردی را که در قرآن کریم و سنت حضرت پیامبر (ص) نمی‌شود به صورت روشن جستجو کرد، باید از طریق اجماع علما به آن پرداخت. اجماع علما هم همانا مشورت و تشکیل شورا است.

در اسلام بارزترین نوع شورا همانا شورای اهل حل و عقد است که بعد از وفات پیامبر بزرگوار اسلام (ص) به خاطر تعیین جانشینی آن حضرت (ص) تشکیل شد.

پس در اسلام بزرگترین تصمیم که همانا جانشینی پیامبر (ص) است را جز شورا، نهادی یا فردی دیگری بر عهده نه داشته است که خود از اهمیت شوراها و تشکیل شورا در اسلام سخن می‌گوید.

### اهمیت و موقف شوراها در اسلام

در مورد اهمیت شورا در اسلام، همین بس که سوره‌ای در قرآن کریم با ۵۴ آیه به نام (شوری) نامگذاری شده است. اصل شورا به عنوان شیوه‌ای قابل اجرا در مدیریت سیاسی جوامع اسلامی پذیرفته شده و بر آن تأکید شده است.

قرآن شورا را به دو صورت معرفی می‌کند. یکبار، با تبیین خصایص مؤمنان و رهروان راه مکتب، اصل شورا را به عنوان یک خصوصیت جوشیده از ایمان و جامعه اسلامی معرفی می‌کند. چنانکه در سوره شوری آیه ۳۸ حکمی به این صراحت آمده که معنی اش چنین است: «افراد شایسته با ایمان کسانی هستند که اجابت

ا بین خود به شوری می گذارند.» قرآن مجید در جای دیگر شورا را به صورت یک فرمان و دستور الهی بیان می کند و التزام به نظام شورا را بر پیامبر مقرر می دارد. اسلام با احترام به دیدگاهها و نظارت پیروان واقعی مکتب اسلام تأکید می ورزد و آن را یکی از خصیصه های رهبری و از رموز پیروزی می شمارد. در همین زمینه آیه مبارکه ی ۱۵۹ سوره آل عمران به این عبارت تصریح می دارد که ترجمه اش چنین است: «پس به سبب رحمتی از خدا با آنان نرم شدی و اگر تندخوی و سخت دل بودی البته از دورت پرامی ، پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخ در امور با آنان مشورت کن، پس چون تصمیم گرفتی باید بر خدا توکل کنی زیرا خدا، توکل کنند دوست می دارد.»

بحث شورا در قرآن و اسلام جزیی از اساسات دین میبند اسلام می باشد که هم قرآن و هم اسلام سرسختانه با استبداد مقابله می کنند. به همین لحاظ افراد نسبت به یکدیگر برتری نه دارند. از سوی دیگر شورا در چهارچوب نظریهء حاکمیت مردم می گنجد که در آن هر یک از افراد مردم مساوی اند و بدون سلطهء یکی بر دیگری، در تعیین سرنوشت خویش حسب السهم نقش تعیین کننده دارند. در سیره و سنت پیامبر بزرگ و عظیم الشان اسلام نیز شاهد اجرای اصل مشاوره در امور مختلف به خصوص در زمان جنگ ها هستیم. به عنوان مثال در زمان جنگ احد شورای تشکیل شدهء نظامی با

اصرار جوانان انصار که اکثریت را داشتند، پیامبر به رای و نظر آنان احترام گذاردند و در بیرون از شهر مدینه به رویارویی با مشرکان پرداختند. یا در آستانه جنگ خندق به دستور پیامبر گرامی «شورای دفاع» تشکیل شد که در آن بنا به پیشنهاد سلمان فارسی (رض) قرار شد که دور شهر مدینه خندقی حفر گردد تا جلو تهاجم دشمن گرفته شود و پیغمبر (ص) هم این نظر را پذیرفتند. علاوه بر پیامبر گرامی اسلام، صحابه‌ی کرام و ائمه معصومین نیز قول‌ها و احادیثی در خصوص مشورت و شورا بیان نموده‌اند.

اما لازم به ذکر می‌باشد که بحث مشورت و شورا در چهارچوب مسایل حکومتی و مسایل دنیوی افراد می‌باشد نه در اموری که مربوط و خاص خداوند (ج) است. زیرا در هیچ جایی نقل نه شده است که مثلاً پیامبر (ص) در خصوص کیفیت چگونگی نماز، روزه، حج و سایر امور دینی با مردم مشورت نموده باشد و یا شورا تشکیل دهند که محل قبله کجا باشد؟.

## شورا های ولایتی چیست؟

قبل از اینکه در مورد تعریف شوراهای ولایتی صحبت گردد، می خواهیم در مورد تاریخچه شوراهای ولایتی اندکی معلومات ارائه گردد.

در مورد سوابق و پیشینه ی شوراهای ولایتی، اگر به سطح دنیا به آن نگاه شود، برمی گردد به دوره یونان قدیم. در یونان قدیم دولت های کوچکی در سطح شهرها وجود داشت که به نام دولت شهر های مربوط یاد میشد. در هر کدام از این دولت شهرها، شورا هایی وجود داشت که بی شباهت به شورا های ولایتی امروزی نه بوده است. هم چنان در زمان زمامداری اشکانیان مجالس سه گانه ی وجود داشت که به نام شورای خانواده گی یاد میشد. یکی از مجموعه یی این شورا ها، شورای ولایتی بود.

در دین مبین اسلام و در زمان خلفای راشدین (رض)، بسیاری از موضوعات محلی در روشنایی قرآن کریم، سنت پیامبر بزرگ اسلام و اجماع امت اسلامی و فتاوی ائمه اطهار حل و فصل می شد. اجماع آن زمان هم بی شباهت به شورا های ولایتی امروزی نه بوده است. البته با این تغییر که در آن زمان تمام افراد اجماع کننده،

علمای دین بودند ولی در حال حاضر برای اعضای شورا های ولایتی، قیدی وجود نه دارد که باید عالم دین باشند و یا خیر.

در تاریخ معاصر جهان، اولین بار و بعد از انقلاب کبیر فرانسه در اواخر قرن هژدهم (1789م) شورای های ولایتی، تحت عنوان شورا های شهری، تشکیل گردید. در کشور ما افغانستان، شوراهای ولایتی به صورت غیر رسمی آن از مدتها قبل موجود بوده است. اما شورا های ولایتی به روایت امروزی آن، بر می گردد به تاریخ برگزاری لویه جرگهء قانون اساسی در (1383 ه.ش)، انتخابات پارلمانی و ایجاد شورا های ولایتی بعد از (1385 ه.ش).

اع شورا های ولایتی در افغانستان در حال حاضر در افغانستان دو نوع شورا های ولایتی وجود دارد:

اول- شوراهای ولایتی که به اساس قانون اساسی افغانستان به عنوان پارلمان های محلی معرفی شده و به صورت انتخابی اعضای آن از طرف مردم به این شورا ها فرستاده می شوند. این شورا ها بیشتر جنبه دیدبانی از مشکلات افراد و رابطه بین افراد ( شهروندان) و حاکمیت تلقی می شود. این شورا ها در پهلوی نقش دیدبانی و رابط بودن، مشاورین اساسی ارگان های حاکمیت به سطح ولایات شمرده می شوند.



رسمی در وزارت عدلیه به ثبت رسیده تشکیل می شوند. این شورا ها بیشتر جنبه سیاسی - نمایش قدرتی دارد.

بیشتر در پایتخت متمرکز هستند و از ولایت های شان در موارد مختلف و به خصوص در مشکلات و موضع گیری ها نماینده‌گی می کنند.



قابل تذکر است که نوعی دیگری هم از شورا ها وجود دارد که به عنوان شورا های محلات از آن نام برده می شود. به دلیل اینکه شوراهای محلی در سطوح کوچکتر از ولایات و ولسوالی ها قرار دارد، در این بحث از ارائه معلومات در مورد آنان خود داری شد.

قانون شورا های ولایتی، این شورا ها را چنین تعریف می کند:

شورای ولایتی به حیث یک مجمع انتخابی به هدف ایجاد ساختاری که مشارکت و سهم گیری مردم و نهادهای



جامعه مدنی را با ادارات دولتی در سطح ولایت تأمین و ادارات ولایتی را در امور مربوط مشوره دهد، فعالیت می نماید. (ماده دوم قانون شوراهای ولایتی)

در این تعریف شورا های ولایتی هم از لحاظ چگونگی حضور اعضا و هم از نظر هدف، مشخص شده است. در این تعریف تصریح گردیده است که اعضای شورا های ولایتی، انتخابی اند نه انتصابی، یعنی بر اساس جمع آوری رای مردم به وجود می آیند. همچنان در مورد هدف از تشکیل این شورا ها گفته شده است که به خاطر ایجاد یک نهاد و ساختاری که شرکت و همیاری مردم و نهاد های جامعه مدنی با نهاد ها و ادارات دولتی در یک ولایت را نشان بدهد، این شورا ها ایجاد می شود.

در مورد مسوولیت افراد این شورا ها هم در این تعریف آمده است که اعضای شورا های ولایتی وظیفه دارند تا مسوولین ادارات دولتی را در امور مربوطه شان مشورت دهند. از سوی دیگر بعضی ها بدین باورند که شورا های ولایتی به عنوان یک پارلمان در سطح ولایت تشکیل می شوند. یعنی مردم در یک ولایت در دو سطح می توانند نماینده داشته باشند:

در سطح ملی که همانا نماینده های شان در شورای ملی است و در سطح ولایتی که عبارت از نماینده گان مردم در شورا های ولایتی می باشد. تعداد نماینده گان شورا های ولایتی به تناسب تعداد جمعیت در هر ولایت می باشد. یعنی به هر اندازه بی که نفوس یا جمعیت در یک

ولایت زیاد باشد، به همان اندازه تعداد نماینده‌گان مردم در شورای ولایتی نیز زیاد می باشد.

باید گفت که از هر ولایت یک نفر از نماینده گان شورای ولایتی، فردی که از جانب اعضای شورای ولایتی در یک انتخابات شفاف از میان اعضای شورا به عنوان نماینده انتخاب می شود، در شورای ملی و در مشرانو جرگه معرفی شده و منحیث سناتور همان ولایت در مجلس سنا می باشد.

ضرورت ایجاد شورا های ولایتی انسان ها در یک جامعه انسانی به همکاری و همیاری یک دیگر نیازمندند. این همکاری و همیاری، مربوط می شود به ضرورت و توان همکاران با یکدیگر. از سوی دیگر بنابر طبیعت زنده گی اجتماعی، افراد مجبور و مکلف اند که تصامیمی را که مربوط به یک قشر عظیمی از افراد یک جامعه می شود، نه باید به صورت فردی اتخاذ نمایند. زیرا در این صورت هم بار مسؤولیت به شانه های تصمیم گیرنده گرانی می کند و از سوی دیگر هم، تصامیمی که گرفته می شود نیز به صورت فردی اگر باشد کار آیی لازم را نه خواهد داشت. به عنوان مثال، اگر فردی می خواهد در مورد اینکه در محل زنده گی اش که حدود هزار خانوار زنده گی می کنند، جنراتور برق به دلیل صدای ناهنجار آن نصب نه گردد، تصمیم فردی بگیرد، این تصمیم به هیچ وجه کار آیی نه دارد. زیرا همه می دانیم که فوائد جنراتور نظر به نقصی که همانا صدای ناراحت کننده آن است، بیشتر می باشد. در پهلوی اینکه این تصمیم کار آیی نه دارد، چون یک تصمیم فردی است، قابل قبول گروهی مردم هم نمی باشد. تصامیم فردی همیشه در پهلوی ناکارآمدی، پذیرش گروهی هم نه دارد. پس تصمیمی که فرد مذکور در این مورد گرفته است، کار آیی لازم را نه داشته و تنها و تنها گوشهء از خواسته های فردی همان شخص است. اما اگر جمع کثیری از اهالی یک گذر که جنراتوری در

محل نامناسبی گذاشته شده، تصمیم بگیرند که جنراتور مذکور به محل دیگری انتقال داده شده و یا متوقف گردد، آنگاه این یک تصمیم مهم و کارا خواهد بود و امکانات تطبیقی آن بیشتر است. حالا در این مثال به صورت واضح می‌توانیم که نقش شورا ها را در تصمیم‌گیری در مورد یک مسئله، درک نماییم.

درکل می‌شود گفت که؛ شورا، مشوره و تصمیم جمعی به صورت طبیعی پذیرفتنی است. آنچه به صورت طبیعی پذیرفتنی است یک ضرورت عینی و طبیعی بشر حساب می‌شود. هرگاه در یک تصمیم افراد بیشتری دخیل باشد، به همان اندازه امکان عملی شدن و دیرپا بودن این تصمیم بیشتر متصور است. همچنان به دلیل دخالت بیشتر افراد، همکاری و همیاری بیشتر مردم در عملی شدن این تصمیم بیشتر است.

همچنان باید به خاطر داشت که به دلیل رشد جمعیت و ایجاد اجتماعات بیشتر بشری، حاکمیت به صورت کامل نه می‌تواند به تمامی مشکلات و وضعیت تمامی افراد در اجتماعات متعدد رسیده‌گی نماید، از این رو نیاز به این است که از اجتماعات متعدد افرادی به عنوان نماینده-گان در سطوح محلی به صورت انتخابی تشکیل اجتماعات دهند که این اجتماعات را می‌شود به لفظ دیگری تحت نام شورا ها یاد کرد.

این شورا ها می‌توانند در تصامیم در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی اجتماعات شان دخیل باشند و از سوی دیگر می‌توانند رابطهء میان مردم و حاکمیت باشند.

از اینرو می توان گفت که شورا ها در سطح ولایات، یک ضرورت حتمی است و زنده‌گی سیاسی و اجتماعی افراد در نبود این شورا ها خلاء بزرگی را دارا خواهد بود. بدون این شورا ها فاصلهء میان حاکمیت و مردم بیشتر شده و به ضرورت های اساسی مردم امکانات رسیدگی کمتر متصور خواهد بود.

لذا می توان ضرورت ایجاد شورا های ولایتی را در نکات ذیل چنین خلاصه کرد:

- ایجاد فضای اعتماد و اطمینان دو جانبه میان مردم و ارگانهای مختلف و سهمگیری مردم در انتخاب، تطبیق و مواظبت از برنامه ها و پروژه های مورد نیاز. زیرا مردم اطمینان حاصل می کنند که نمایندهگان شان در طرح و تطبیق برنامه ها و پروژه ها موجود اند. خواسته ها، توقعات و نیازمندی های آنان به مسوولین مربوط از طریق نمایندهگان شان انعکاس می یابد و برای مسوولین برنامه ها و پروژه های عمرانی و بازسازی نیز اطمینان حاصل می شود که موجودیت اعضای شورا ها، نمایندگی از حمایت مردم محل از برنامه ها و پروژه های مورد نیاز می کند.
- در موجودیت شورا های ولایتی هر پروگرام و پروژه ای که طرح و تطبیق می شود، از منافع آن اکثریت مردم جامعه مستفید می گردند.
- در موجودیت شورا ها تطبیق برنامه ها و پروژه ها، آسان و ارزان تمام شده و از منابع محلی

استفاده بهتر صورت می‌گیرد و زمینه کار برای مردم محل ایجاد می‌گردد.

تشکیل شورا های ولایتی:  
چگونه گی تشکیل شورا های ولایتی معمولاً شامل دو بخش است:

- 1- **بخش هیأت رهبری شورا ها:** شامل رئیس شورا، معاون یا معاونین شورا ها، مسوول مالی شورا و خزانه دار. که توسط رای گیری انتخاب می‌شوند.
- 2- **اعضای شورا:** که ناشی از اشتراک داوطلبانه افراد یک محل، یک شهر یا یک کشور بوده و متکی بر همکاری، وفاداری، اعتماد و صمیمیت بین اعضای آنست.

هرگاه شورا های ولایتی را در هر دو لایه شورا های انتخابی و شوراهای اجتماعی و غیر رسمی در نظر گیریم، باید بدانیم که برای شورا های اجتماعی ولایتی، تشکیل خاصی وجود نه دارد. این شورا ها می‌توانند بی انتها عضو داشته باشند، به شرط اینکه اعضای این شورا ها، شهروندان همان ولایتی باشند که شورا به نام همان ولایت است. اما باید گفت که به اساس قانون تشکیل احزاب سیاسی و تشکل های اجتماعی کمترین افراد در این شورا ها مشخص شده اند. البته آنچه مشخص شده است نیز بیشتر به اعضای موسس شورا ها موجود می‌شود تا به اعضای غیر موسس آن.

و اما در مورد شورا های انتخابی، یا همان شورا های ولایتی که در قانون اساسی افغانستان پیش بینی شده

است؛ در تشکیل این شورا ها همیشه قانون شورا های ولایتی و جمعیت ولایتی که شورا در آن تشکیل می شود، حرف اول و آخر را می زنند. به این معنی که به اساس قانون اساسی افغانستان، از هر قشری از شهروند افغان در سطح ولایات باید یک نفر به صورت رسمی و در سطح همان ولایت نماینده‌گی نماید.

همچنان باید خاطر نشان ساخت که تشکیل شورا های اجتماعی ولایتی چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، به صورت معمول در دوبرخس ذیل متمرکز می باشد:

اول. بخش هیأت رهبری که شامل رئیس، معاون یا معاونین، مسوول مالی یا خزانه دار می باشد.  
دوم. اعضای کاری کمکی یا ضمنی که مردم به طور داوطلبانه در آن سهم می گیرند.

خصوصیات یک شورای ولایتی خوب در کل می توان گفت که خوبترین شورای ولایتی به آن شورای اتلاق می شود که به صورت کامل از مردم ولایتش نماینده‌گی نموده و رابط حقیقی میان مردم خود و حاکمیت باشد. اما شورا های ولایتی را می توان به اساس مشخصه های دیگری هم به شورا های خوب و یا هم شورا های غیر خوب تقسیم و تفکیک نمود.

هرگاه اعضای یک شورا از انتخاباتی شفاف، عادلانه و به دور از تقلب به همان شورا راه یافته باشد، می توان گفت که شورای مذکور یک شورای خوب است.

در پهلوی این ممیزه، هرگاه اعضای یک شورا در تماس های دوامدار، مستقیم و مؤثر با مردم ولایت باشند، همان شورا را می توان یک شورای خوب نامید.

واما از همه مهتر و به اساس تعریف قانونی شورا های ولایتی، بهترین شورا به شورایی اتلاق می شود که از همکاری، طرفداری و حمایت قاطع مردم برخوردار باشد.

خلاصه خصوصیات یک شورای خوب ولایتی را می توان در نکات ذیل جمع بندی کرد:

- در بین ساکنین محل باید احساس همکاری و اتکا به خود را رونق دهد.
- افراد منافع جامعه و جامعه باید منافع افراد را در نظر داشته باشند.
- هر عضو شورا باید مکلفیت ها و مسؤولیت های خود را بداند و هر اقدامی که به منظور بهبود امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صورت می گیرد، جز مکلفیت ها و مسؤولیت های آنان به حساب آید.
- تدویر جلسات منظم و احساس جوابدهی در مقابل همشهریان داشته باشد البته تدویر جلسات سبب



ثبات و استحکام شورا و باعث اتحاد و اتفاق جامعه و محیط خواهد شد.

- در حالات فوق العاده و استثنایی، تدویر جلسات فوق العاده.
- هیأت رهبری و اعضای شورا، اختلافات مذهبی، قومی، گروهی، سمتی، جناحی، لسانی و انواع دیگر تعصبات سیاسی را نه باید در داخل شورا مطرح نمایند.
- شورا جنبه سیاسی و مذهبی را به خود نه گیرد.
- همه اعضای شورا و هم هیأت رهبری شورا (رئیس، معاون، مسئول مالی) باید اشخاص فداکار، صمیمی و مورد اعتماد جامعه باشند.
- اعضای هیأت رهبری شورا باید روحیه استقلال و عدم وابسته گی خود را حفظ نمایند.
- جهت انجام خدمات بهتر اجتماعی لازم است کدر های مسلکی و نیمه مسلکی بیشتری را جلب نمایند.
- از هر گونه مفسد اجتماعی و اخلاقی جلوگیری به عمل آرند.

ها چه طور به وجود می آیند؟  
هرگاه دقیقاً متوجه شویم، در جامعه دو نوع احساس موجود اند:

1- احساس همبسته گی: مردم خود می گویند که ما بالای همدیگر متکی هستیم.

2- احساس همکاری: برای رفع مشکلات خود محتاج کمک و همکاری با همدیگر هستیم.

اما هرگاه در مورد شورا های اجتماعی ولایتی صحبت شود، فرآیند یا پروسه خاصی برای تشکیل این شورا در ابتدا در کار نیست. هرگاه ضرورت احساس می شود تا این شورا ها تشکیل شوند، تعدادی افراد گرد هم آمده و ستون فقرات این شورا ها را پیریزی می کنند. اما باید به خاطر داشت که به اساس قانون احزاب سیاسی و سازمان اجتماعی، این شورا ها بعد از تشکیل، همان مشخصات ضروری خود را که شامل تشکیل، اهداف، هیأت رهبری، مساعدت های مالی، آدرس و دیگر معلومات مورد نیاز اند، به صورت یک نهاد رسمی در وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان ثبت و راجستر نمایند. فرآیند ثبت این شورا ها از یک درخواستنامه ابتدایی آغاز می شود. بعداً فهرست تمامی اعضای بنیاد گذار یا همان اعضای مؤسس ترتیب میشود. ترتیب و تنظیم یک اساسنامه نیز قدم دیگری در راستای تشکیل شورا های اجتماعی ولایتی می باشد. بعد از تعیین اهداف، فعالیت، محل فعالیت و تعداد اعضای مؤسس، شورا های ولایتی

بعد از اخذ جواز فعالیت به صورت رسمی تشکیل می شوند.

و اما در مورد شورا های ولایتی انتخابی، اعضای این شورا ها در یک انتخابات آزاد، شفاف، سری و عامه که در کشور تشکیل می شود، در سطح ولایاتی مختلف انتخاب می شوند. سیستم انتخاب افراد به صورت غیر حزبی است، یعنی افراد مستقل و همچنان افرادی که اعضای احزاب سیاسی هستند، می توانند در انتخابات به عنوان کاندیدا یا همان نامزدان در رقابت های انتخاباتی سهم بگیرند و از طرف مردم انتخاب گردند.

زمانی که این افراد به عنوان اعضای شورا های ولایتی باقی می مانند سه سال است. هرفردی که سن قانونی نامزد شدن برای انتخابات شورا های ولایتی را تکمیل کرده باشد می تواند در این انتخابات شرکت کرده و رقابت نماید. سن هژده سال و بالاتر از آن نصابی است برای شرکت در رقابت های شورا های ولایتی. اشخاص بر اساس بیشترین رای می توانند داخل این شورا ها شوند. به اساس قوانین نافذ کشور، اعضای شورا های ولایتی در اولین نشست شان بعد از انتخاب شدن شان به واسطهء مردم، یک نفر را به عنوان سناتور ولایت شان به مجلس سنا یا همان مشرانو جرگه معرفی می کنند.

**شیوه های آغاز کار شورا های ولایتی:**

آنطور که گفته شد، شورا های ولایتی در اولین جلسه شان بعد از انتخاب اعضا از طرف مردم، یک نماینده خود را به مجلس سنا معرفی می نمایند. البته باید گفت که به اساس قانون مسن ترین عضو شورای ولایتی به عنوان رئیس موقت تعیین شده و بعداً در یک رای گیری آزاد رئیس معاون و منشی شورا تعیین می گردد. فردی که بیشترین رای را در انتخابات از آن خود نموده باشد، به صورت مستقیم به عنوان رئیس تعیین می شود. قدم بعدی همان تعیین افراد در بخش های مختلف غرض پیشبرد امور می باشد. به این معنی که افراد به اساس تعداد اعضای شورا های ولایتی بخش های عمده کاری را هرکدام در راستای مختلف به خود اختصاص می دهند. به عنوان مثال، فردی که تخصص و معلوماتش در بخش دفاع و امنیت است، در راستای کاری امنیتی در شورای ولایتی مشغول می شود.



گوشه‌یی از محفل افتتاحیه دور دوم شورای ولایتی کابل اعضای شورا های ولایتی که در بخش های همسو باهم همکاری کنند، به صورت روزانه نشست هایی را در داخل شورا و یا هم در محلات مماثل در ادارات دولتی تشکیل می دهند.

در هر ماه یک جلسه عمومی برای تمامی اعضای شورا های ولایتی در سطح ولایات در نظر گرفته می شود. به اساس قانون شورای های ولایتی، جلسات این نهاد آزاد و علنی می باشد مگر اینکه سه بر چهار حصه اعضای شورا خواهان جلسه سری و پوشیده باشند. باید گفت که تعدادی هم در شورا های ولایتی به عنوان مسولین بخش اداری این شورا ها تعیین می شوند که در پهلوی کار های بخش های خویش، به کار های اداری شوراهای ولایتی نیز می پردازند.



- خصوصیات اعضای شورای خوب ولایتی:
- اعضای شورا ها باید در جلسه عمومی و بر اساس توافق آراء انتخاب گردیده باشند.
  - اعضای شورا قابلیت آن را داشته باشند که از اقشار و گروپ های مختلف جامعه نماینده گی کرده بتوانند.
  - اعضای شورا باید صادق، فعال و از سوء استفاده از موقف شورا و خود خواهی های جاه طلبانه به دور باشند.
  - اعضای شورا خود داوطلبانه و رضاکارانه غرض رفاه و بهبود شهر و محل خویش فعالیت نمایند.
  - اعضای شورا باید برای بهبود و رفاه ساکنین محل، وقت، استعداد ها، مهارت ها و جان خود را بدون کسب امتیازات شخصی مادی و معنوی وقف نمایند.

چه کسانی در کار شورا های ولایتی سهم بیشتر میگیرند؟  
 به اساس قانون شورای های ولایتی، تمامی اعضای شورا های ولایتی سهمی مساویانه در کار های روزانه دارند. اما باز هم و به اساس همین قانون هیئت اداری و رئیس شورا های ولایتی بیشترین سهمگیری را در کار ها دارند.

باید خاطر نشان ساخت که موجودیت رئیس و هیئت اداری شورا های ولایتی هیچگاه به این معنی نیست که دریگر اعضای شورا های ولایتی کار های کمتری را اجرا کنند.

واما هرگاه درمورد شورای ولایتی اجتماعی صحبت نمائیم، بیشترین سهم را اعضا یا همان هیئت رهبری در این شورا ها به عهده دارند. زیرا این افراد به صورت رسمی (یا حد اقل رسمی) مسؤولیت دارند که به صورت مستمر کار نمایند و برعکس افراد داوطلب بیشترین مسؤولیت هم مربوط این افراد می شود.

خلاصه کسانی که در کار تشکیل و فعالیت شورا ها سهم بیشتر می گیرند عبارتند از:

- کسانی که افکار، آرزو ها و ضروریات شان مشابه باشد، مانند کسانی که به سرک، کلینیک صحتی یا به آب آشامیدنی و زراعتی زیادتز ضرورت احساس می کنند و یا از مشکلات راهها، سرک ها و کوچه ها بیشتر از دیگران رنج می برند، بیشتر از دیگران نیز سهم می شوند.
- کسانی که سطح زنده گی آنها با همدیگر مشابه باشند.
- گروه های مذهبی نیز به شکلی از اشکال به گروه های جداگانه کاری سهم خواهند شد.
- گروه های اقتصادی مانند دکانداران در یک گروه دهاقین در گروه دیگر و یا زمینداران در

گروپ دیگر، پیشه وران در یک گروپ دیگر به دور شورا های ولایتی تشکل خواهند یافت. مشروط بر اینکه این تشکل، باعث دامن زدن به اختلافات در بین شورا های ولایتی نه گردد.

- همچنان موقعیت های جغرافیایی خاص، باعث ایجاد شورا های جداگانه شده سهمگیری و علاقمندی بیشتر آنان را جلب خواهد کرد. مشروط بر اینکه این خصوصیات مانع اتحاد و اتفاق اعضای شورا های ولایتی نه گردد.

ید شورا های ولایتی برای مردم درکل شورا های ولایتی را می توان برای برآورده شدن فوائد ذیل مؤثر دانست:

- حل مشکلات عامه، زیرا مشکلات عمومی جامعه از طریق انفرادی ممکن نیست اما از طریق شورا ها امکان پذیر است.
- در موجودیت شورا ها تصامیم به صورت خوب و همه جانبه اتخاذ می شود و مردم هم به این تصامیم از جان و دل استقبال می کنند.
- جلب قانونمند امکانات و خدمات عامه که از طرف حاکمیت و دولت برای مردم به صورت قانونی در نظر گرفته شده است.
- حل معضلات محلی، قومی، اجتماعی، اخلاقی و حتی فرهنگی و اداری از طریق شورا ها به صورت قانونمند آن امکان پذیر و ساده است.



- رفع هرنوع محرومیت های ناشی از عوامل مختلف از طریق شورا ها به صورت درست و قانونمند صورت می پذیرد.
- به دلیل اینکه تمامی فوائد کارهای عامه و مردمی از طریق شورا ها دوباره به مردم برمی گردد، مردم از نظر اقتصادی و مالی به خود متکی می شوند.
- از همه مهمتر اینکه شورا های ولایتی انتخابی تنها نمایندهگان رسمی مردم به اساس قوانین نافذ افغانستان در سطح ولایات می باشند که می توانند از مردم نمایندهگی رسمی و مستقیم نمایند.



جمعی از اعضای شورای ولایتی کابل هنگام بازدید از یک کار بازسازی د ردارالامان کابل



- در موجودیت شورا ها مردم احساس بیشتر آزادی و مالکیت نموده خدمات مؤثر و قابل اجرا برای همکاری بیشتر مردم با همدیگر به وجود می آید.
- شورا زمینه تصمیم گیری دسته جمعی را به وجود آورده و طبعاً تصمیم گیری دسته جمعی بر تصمیم گیری فردی بهتر و قابل تطبیق است.
- تنظیم امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق شورا باعث جلوگیری از ضیاع وقت و مصارف بیشتر می گردد.
- تداوم و پیگیری از کار و فعالیت پروگرامها به وسیله شورا ها زمینه تطبیق درست پروگرامها و سرعت در کار اكمال پروژه ها را ممکن می سازد.

- تطبیق پروژه های عمرانی و احیای مجدد کشور به همکاری شورا های ولایتی، باعث ثبات، تداوم کاری و حفاظت از پروژه های مذکور می گردد.

## شوراهای ولایتی در

نقش شوراهای در افغانستان از دیرباز تاکنون پررنگ بوده و مردم، اکثر اختلافات خود را به جای این که از طریق دولت حل نمایند، سعی داشته اند با مراجعه به شوراهای موسفیدان، متنفذین قومی و بزرگان محلی، به حل مشکلات خویش بپردازند.

با این وجود قانون اساسی افغانستان نیز بعضی شوراهای از جمله شوراهای ولایتی را به رسمیت شناخته و در فصل دوم، ماده چهارم قانون شوراهای ولایتی که از جانب رئیس دولت توشیح گردیده، یازده وظیفه به شوراهای ولایتی سپرده شده در بند یازده ماده چهارم قانون شوراهای ولایتی چگونگی مشارکت، مشوره دهی و نظارت بر امور ولایت در تمام عرصه ها در امور صلاحیتی اعضای شورای ولایتی قید گردیده است. در ماده 139 بیان کرده است: شورای ولایتی در تأمین اهداف انکشافی دولت و بهبود امور ولایت به نحوی که در قوانین تصریح می گردد، سهم گرفته و در مسائل مربوطه به ولایت مشوره می دهد.

در قانون شورای ولایتی نیز، وظایف و مسئولیت های این شورا ها چنین بیان شده است:

اعضای شورای ولایتی باید از مردم ولایت نماینده گی نموده و به نگرانی های آن ها گوش بدهند و نقش مهمی را در انکشاف پالیسی و بودجه ولایت بازی نمایند. اضافه بر این، اعضای متذکره وظیفه مهم گزارش دهی به مردم را غرض اطمینان آنان به عهده دارند. از این که اعضای شورا در تصامیم و اجراءات اداره محلی و شورای ولایتی نقش دارند.

در ادامه این قانون از دیگر وظایف شورای ولایتی نقش آن ها در مشورت دهی و مشارکت در امور ولایتی آمده است. علاوه بر این ها از دیگر مسئولیت های شورای ولایتی، حل مشاجرات محلی، محو عنعنات و رواج های خلاف اسلام، تحکیم پایه های حقوق بشر و رفع هر نوع تبعیض نام برده شده است.

اما اگر نگاهی به جایگاه این شورا در نظامی بیاندازیم که والیان صلاحیت تام در هر ولایت را داشته و کارها را بر اساس دستورات صادره از مرکز اجرا می نمایند، به این نکته خواهیم رسید که شوراهای ولایتی صلاحیت هایی را که قانون برای آن ها در نظر گرفته، نه خواهد توانست عملی سازند. زیرا با توجه به واقعیت های جامعه و این که حکومت همواره به دنبال حفظ قدرت خود می باشد، این اجازه را نه خواهد داد تا اعضای شورای ولایتی در نحوه اداره یا عمل کرد آن ها دخالتی داشته باشند. در ثانی خواسته ها و گفته های

شورای ولایتی از هیچ ضمانتی برخوردار نیست و در صورتی که والی یا شاروالی و هر نهاد حکومتی دیگر که نه خواهد از گفته‌ها و خواسته‌های آنان پیروی کنند، هیچ اجباری وجود نه دارد.

در چهار سال گذشته در مواردی هم دیده شده است که مقام‌های محلی و اعضای شورا های ولایتی نه تنها همکاری نه داشته‌اند، بلکه اختلاف آنها بر سر مساله ای ماه‌ها طول کشیده است. از جمله می‌توان به اختلاف اعضای شورای ولایتی غزنی با والی این ولایت نام برد. اعضای شورای ولایتی غزنی نزدیک به چهار ماه در اعتراض به برنامه‌های والی، دفتر شورا را بسته نمودند و به رسم اعتراض در کابل به سر می‌بردند.

بسیاری از صاحب‌نظران به این عقیده‌اند در صورتیکه اعضای شورای ولایتی از صلاحیتهای مشروع خویش استفاده درست نه‌توانند و نقش‌شان تنها در حد مشوره باقی بمانند، نه تنها کاری به نفع مردم و کشور نه می‌توانند، بلکه در بسیاری از موارد باعث فاصله بین مردم و دولت نیز می‌گردند.

با توجه به نکات یاد شده فوق، شورا های ولایتی می‌توانند نقش مفید و مؤثری را در تحکیم صلح و همبسته‌گی، اتحاد و اتفاق، احیا و بازسازی و بهبود حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم به وجود آورند.

اهداف ایجاد شورا های ولایتی

به طور کل اهداف ایجاد شورا ها و مخصوصاً شورا های ولایتی قرار ذیل است:

- تنظیم و تحرک دسته جمعی مردم به منظور ایجاد فضای صمیمیت، اعتماد و همکاری.
- انعکاس خواسته ها، نیازمندی ها و توقعات مردم.
- جلب همکاری مردم در تأمین امنیت، طرح، تطبیق و مواظبت از پروگرامهای مورد نیاز اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- تطبیق پروگرام های احیا و بازسازی کشور مطابق ذوق و ضرورت مردم.
- احیای نورم های مفید جامعه.
- رفع اختلافات و تشنجات محلی.

در همین رابطه قانون شورا های ولایتی هدف از ایجاد این شورا ها را چنین تذکر داده است:

شورای ولایتی به حیث یک مجمع انتخابی به هدف ایجاد ساختاری که مشارکت و سهم گیری مردم و نهادهای جامعه مدنی را با ادارات دولتی در سطح ولایت تأمین و ادارات ولایتی را در امور مربوط مشوره دهد، فعالیت می نماید (قانون شورا های ولایتی، فصل اول ماده دوم) به اساس این ماده قانون، هدف عمده شورا های ولایتی ایجاد یک ساختاری است که زمینه ساز سهمگیری مردم و نهاد های جامعه مدنی بادولت یا حاکمیت در سطح محلی (ولایتی) باشد. همچنان هدف دوم و ایجاد شورای های ولایتی به اساس این ماده قانون مشوره دهی در امور مربوطه و ولایتی می باشد.

در اینجا به صورت واضح دیده می شود که شورای ولایتی مانند یک پل اساسی و ضروری میان مردم و حاکمیت باید عمل نمایند. همچنان تمامی خواسته ها و مشکلات مردم را در مشوره با مردم از طریق مشوره به حاکمیت باید برسانند.

هرچند در کوتاه مدت با توجه به جدید بودن مفهوم شورای های ولایتی انتخابی، رسیدن به این اهداف بیشتر عملی جلوه نه می نماید، اما در دراز مدت چشم انداز شورا های ولایتی روشن بوده و می تواند به عنوان یک نهاد اساسی جامعه مدنی اهداف پیش بینی شده در قانون را برآورده سازد.





- شرایط ایجاد یک شورای ولایتی خوب
- ایجاد شورایی که در آن افراد انتخاب شده آن مورد اعتماد و احترام مردم بوده و برای بهبود و موفقیت امور شورا ایمان و عقیده داشته باشند.
  - شورا از خود مختاری و استقلال کامل برخوردار بوده و صاحب صلاحیت خود باشد و در صورتیکه واقعاً نماینده مردم باشد، تحت اثر کدام گروه و یا اشخاص با نفوذ دیگری نه خواهد بود.
  - شورا از افراد نخبه، چیز فهم و مسلکی برخوردار باشد و همکاری اکثریت مردم محل و یا شهر را با خود داشته باشد.
  - شورا باید روحیه همکاری با یکدیگر را داشته باشد.
  - شورا باید به مردم و مسئولین امور مشوره های مفید و حقیقی را داده بتواند و در حل مشکلات مردم با آنها همگام و همکار باشد.
  - شورا باید اوقات معین و منظمی را برای تدویر مجالس شان داشته باشند تا از پراگنده گی اعضای شورا جلوگیری به عمل آید.
  - شورا احساس خود کفایی نموده و اعضای شورا قادر باشند تا امور مربوط به شورا را خود به خود اداره و تنظیم نمایند.
  - هیأت رهبری شورا ها حداقل دو کتاب جداگانه یکی برای ثبت و اجراات، پیشنهادات، مشکلات،

مصوبات و فیصله نامه ها و دیگری کتاب درج مسایل مالی مربوط به شورا را در اختیار داشته و تمامی اجراءات جلسات رادرج آن نموده و اجراءات لازم را نیز ثبت نمایند.

خلاصه در مورد شرایط ایجاد نهاد ها در کل باید گفت که شرط اساسی اراده و ضرورت مردمی به این شورا ها است. قدم بعدی در ایجاد این نهاد ها، راهکار های قانونی و وضاحت قانون در ایجاد این شورا ها می باشد. البته باید گفت که خوب بودن این شورا ها از نظر شرایط ایجاد، بیشتر مربوط به خواسته های مردم و دخیل بودن آنان در فرآیند ایجاد شورا ها است.

در افغانستان با توجه به ضرورت اشد به این شورا ها از طرف مردم و همچنان پیش بینی قانون در مورد ایجاد این شورا ها، گام بعدی همانا امنیت ایجاد شورا ها است که می تواند خوبی این نهاد ها را تضمین کند. این بدان معناست که شورا های ولایتی در صورتی که در شرایط امن و از طریق انتخابات شفاف و بدون تقلب ایجاد شود، یک شورای خوب خوانده می شود.

نکته دیگری که می شود به آن در مورد شرایط ایجاد ولایتی اشاره کرد، مشروعیت شورا ها یا اعضای آن است که توسط نهاد های صاحب صلاحیت صورت گیرد. شورای های ولایتی زمانی مشروعیت خواهند داشت که هر عضو به صورت انفرادی مشروعیت داشته باشد.

مشروعیت اعضای شورا های ولایتی را نهاد های ناظر و مشاهد انتخابات و در زمان انتخابات تعیین می کنند.

این ناظرین شامل نماینده‌گان نامزدان، رسانه ها و اعضای گروه های ناظر ملی و بین المللی می باشند.

وظایف شورا های ولایتی به طور کل شورا های ولایتی، وظایف ذیل را به عهده دارند:

- برای حل مشکلات عایده، فعالیت های مثمر را تشخیص نموده و بعداً آن را درجه بندی نموده و امکانات حل آن ها را جستجو نمایند.
- فعالیت های خویش را از یک کار ساده و ابتدایی آغاز نموده و در نهایت آن را در همه جوانب توسعه دهند.
- یک اراده همه جانبه اجتماعی را تأسیس نمایند و جلو هرگونه مفساد اجتماعی و اخلاقی را بگیرند.
- به طور مثال، قمار، عیش و غیره.
- یک بودیجه خاص مالی را به شکل یک صندوق تعاونی داشته باشند.
- توسط کدر های محلی خویش خدمات ممکن را به نیازمندان محل انجام دهند.
- از طریق شورا ها منازعات محلی و غیره مناقشات را حل و فصل نمایند.
- باید با پروگرام های انکشافی، مسئولین امور و مردم روابط و همکاری صمیمانه داشته باشند.
- داشتن یک کتاب مرتب ثبت و راجستر اعضای شورا.

- تدویر منظم جلسات نوبتی شورا ها، جمع‌آوری و انتقال خواسته ها، نیازمندی ها و توقعات مردم از مقامات ذیربط و مراجع مسؤول.
  - ثبت و راجستر تصامیم، تمامی فیصله نامه ها و اجراءات شورا ها.
  - پیگیری و تطبیق تصامیم، فیصله نامه ها و مصوبات شورا ها به وسیله اعضای مسؤول شورا های ولایتی.
  - همکاری در طرح و تطبیق پلانهای بازسازی و احیای مجدد ساحات مربوط.
- همچنان در مورد وظایف شورا های ولایتی باید گفت که قانون شورا ها به صورت کلی وظایف رئیس و هریک از اعضای شورا های ولایتی را چنین می شمارد:
- مشارکت در تعیین اهداف انکشافی کشور در ساحات اقتصادی، اجتماعی، صحت، معارف، بازسازی و سایر امور مربوط به ولایت.
  - ارایه مشوره ها در مورد استفادۀ مؤثر از منابع مالی ولایات مربوط.
  - مشارکت در حل اختلافات و منازعات قومی و محلی از طریق جرگه های اصلاحی.
  - ارایه مشوره در مورد طرح پلان انکشافی ولایت مربوط و پلان پیش بینی شده، قبل از پیشنهاد به ادارات محلی مربوط.

- سهمگیری فعال به طرق ممکنه برای از بین بردن رسوم و عنعنات مغایر شریعت اسلامی مانند (ازدواج های اجباری، بد دادن زنها و امثال آن).
- مساعی در تأمین حقوق بشر.
- بازدید از محابس، مجامع و محلات سلب آزادی به استیذان مقامات مربوط، تحلیل و ارزیابی عملکرد مراجع حراست از قانون و حقوق.
- رایۀ گزارش در مورد، به اداره ولایت.



- سهمگیری مؤثر و فعال در جلوگیری از کشت کوکنار، تولید، نگهداری، قاچاق و اعتیاد مواد مخدر و استعمال مسکرات از طریق آگاهی دادن از خطرات استعمال مواد مذکور.
- جلب همکاری مردم و مساعدت با مؤسساتی که در امور مبارزه علیه مواد مخدر فعالیت می نمایند.
- حصول معلومات در رابطه به اجراءات و پلان کار اداره ولایتی و شعبات مربوط.
- بررسی پلان انکشافی و نحوه مخرج سالانه اداره ولایتی و ارایه گزارش آن به ساکنین ولایت مربوط از طریق رسانه های همگانی.
- سهمگیری در حفظ آثار تاریخی و جلوگیری از تخریب، سرقت و قاچاق آن.
- مشوره با ساکنین ولایت از طریق جلسات مشورتی عمومی، حد اقل هر سه ماه یک بار و همچنان مشوره با والی و مسئولین ادارات مربوط حد اقل ماه یک بار.

- ایط تدویر جلسات شورا های ولایتی
- حتی المقدور سعی شود تا اکثریت مردم و اگر اکثریت مردم نتوانند، اشخاص حاضر شوند که نماینده‌گی از اکثریت مردم محل بتوانند.
- جلسات با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز و رئیس، هیأت رهبری و فعالین شورا معرفی شود.
- اجندای جلسه معرفی گردیده و از مردم نظر خواهی صورت گیرد.
- تمام اشتراک کننده گان و اعضای شورا ها، حین گفتن مشکلات و ضروریات، احساس استقلال و آزادی نمایند و در فضای آزاد تمام پروبلم های خود را در محضر عام بگویند.
- تصامیم باید بر اساس توافق همه جانبه صورت گیرد.
- تمام اشتراک کنندهگان باید در حین تصمیمگیریداری حقوق مساوی باشند.
- مشکلات و نیازمندی ها باید مورد غور و مباحثه قرار گیرد و راهای حل آن جستجو گردد.
- تمام اشتراک کنندهگان باید برای سهمگیری در شورا تشویق و ترغیب گردند.
- تصامیم و فیصله ها پس از رای گیری درج کتاب مربوط گردیده موظفین پیگیری تصامیم نیز معرفی گردند.

- زمان و مکان جلسه بعدی تعیین و تثبیت گردیده به حاضرین اعلام گردد.
  - جلسات شورا های ولایتی باید علنی برگزار شود، نصاب جلسات، شیوه برگزاری آن و همچنان اینکه در چه حالتی می شود این جلسات به صورت سری یا همان غیر علنی دایر شود، قانون شورا های ولایتی فصل سوم ماده هفتم، هشتم و نهم چنین صراحت دارد:
  - نصاب تدویر جلسات شورای ولایتی حضور حد اقل اکثریت تمام اعضای آن می باشد.
  - تصامیم و مصوبات شورا به رای دو ثلث اعضای حاضر در جلسه، اتخاذ می گردد.
  - مجالس شورای ولایتی طور علنی دایر می گردد. مگر این که ثلث اعضای شورا سری بودن آن را تقاضا نمایند.
  - شورای ولایتی در هر ماه یکبار جلسه می نماید. جلسات فوق العاده ی شورا به پیشنهاد یک ثلث اعضا یا رییس آن و یا در صورت پیشنهاد والی به رییس شورا و موافقه وی دایر شده می تواند.
  - اجلاس شورای ولایتی در مرکز ولایت دایر و گزارش و فعالیت های شورای مربوط در اخیر هر ربع سال از طریق رسانه های همگانی به اطلاع ساکنین محل رسانیده می شود.
- اگر به صورت کل آنچه در بالا آمده است را توضیح نمائیم، باید گفت که:



هرگاه از تمام اعضای شورا های ولایتی کمترین تعداد آن، یعنی تعدادی از اعضا که هرگاه یکی از آنان کم گردد، اکثریت برهم می خورد، در شورا حضور داشته باشند، جلسات شورا های ولایتی می تواند دایر گردد. این جلسات در هرماه یکبار دایر شده و در صورتی که بیشتر از این نیاز باشد، باید ثلث یا همان هفتاد و پنج درصد اعضا و یا رئیس شورا می تواند طبق ضرورت جلسات فوق العاده دائر نماید. این جلسات باید در مرکز ولایات دائر شود و هرگاه در مورد مسئله خواهان تصمیم گیری باشند، باید ثلث یا همان هفتاد و پنج درصد اعضای حاضر باید باهم در تصمیم گیری توافق نمایند.

چه طور مردم در تشکیل و تداوم شورا ها سهیم می گردند؟  
مردم با رعایت نکات ذیل در تشکیل و تداوم شورا ها سهیم خواهند شد:

1- بسیج مردم به وسیله هیأت رهبری شورا ها: بسیج کردن مردم از طریق پرسیدن مشکلات اساسی آنها و راههای بیرون رفت از آن. باید به مردم تفهیم کرد که بدون تقاضا، همکاری و سهمگیری شما در کار شورا، حل مشکلات عایده مشکل به نظر می رسد. به مردم اجازه داده شود تا خود مشکلات شان را بیان نموده و راههای حل آن را نیز پیشنهاد نمایند.

2- تشویق مردم برای سهمگیری در تطبیق پروگرام ها و پروژه ها و تشکیل شورا ها.

3- تنظیم جامعه برای سهمگیری در پروژه های انکشافی از طریق تدویر و مداومت به کار شورا های منتخب مردم، زیرا مردم نه می توانند به شکل انفرادی مشکلات اجتماعی و محیطی شان راحل و فصل نمایند.

4- همواره از مردم دعوت به عمل آید تا در جلسات شورا ها به طور منظم اشتراک نموده، مشکلات راه حل و همکاری های دوامدار شان را باشورا و بین همدیگر تبارز دهند و برای کمک و همکاری با همدیگر تشویق و ترغیب شوند.

آنچنان که در قانون شورا های ولایتی تذکر یافته است، مردم می توانند از طریق رسانه های همگانی به کارکرد اعضای شورا های ولایتی معلومات حاصل نمایند. این معلومات مربوط جلسات عمومی و ارزیابی کارکرد های شورا ها می باشد. اما از طرف دیگر اعضای شورا های ولایتی مکلف اند تا هر سوالی را که شهروندان و اهالی در مورد کارکرد شورا داشته باشند، باید پاسخ بدهند.

مردم با مراجعه دوامدار به مقر شورا های ولایتی و همچنان به محل کار و یا زندهگی اعضای این شورا ها می توانند تداوم کاری شورا ها را تضمین نمایند.

مواردی را که می شود به آن به صورت جدی توجه داشت، این است که مراجعه به دفتر و یا محل کار و یا محل سکونت افراد، باید به اساس ضرورت مردمی و یا محلی باشد و یا هم موضوعی باشد که به افراد یا فرد ارتباط داشته و لی تأثیر مردمی داشته باشد.

در غیر صورت با مراجعه غیر ضروری، حتی می شود باعث اختلال در کار های روزانه ای اعضای شورا های ولایتی شویم.

البته یک راه دیگری هم وجود دارد که می شود در تداوم شورا ها نقش موثری داشته باشد و آن همانا نظارت مردم بر کار های اعضای شورا های ولایتی و یا در کل نظارت بر کار های نهاد شورای ولایتی.

مردم می توانند خواست های مشخص دقیق و روشنی را که خلاف قوانین نافذه نه بوده و در صلاحیت شورای ولایتی است از اعضای آن داشته و بعداً در مورد عملی شدن آن خواست ها جویای معلومات شوند.

این امر در پهلوی اینکه می تواند کار شورا های ولایتی را دوامدار سازد، از سویی هم می تواند مشروعیت و مردمی بودن این نهاد ها را بیشتر از پیش تأمین نماید.



یک گردهمایی بزرگی از شورای ولایتی بامیان در مرکز آن ولایت

## شورا های ولایتی و انکشاف اجتماعی

انکشاف اجتماعی تحرکی است که به وسیله خود مردم و به صورت خود جوش از بین خود مردم نشأت نموده و مردم برای تشخیص مشکلات و نیازمندی های خود پس از بحث و مذاکره برای حل آنها به شکل دسته جمعی اقدام نموده و با همدیگر همکاری می کنند.

لذا انکشاف اجتماعی در موجودیت تشکل اجتماعی مردم و شورا ها امکان پذیر است.

شورا های ولایتی آنطور که گفته شد، بیشتر به یک پل ارتباط میان مردم و حاکمیت می مانند. این شورا ها می توانند در انکشاف اجتماعی شهروندان نقش مهمی را ایفا نمایند. هرگاه شورا های ولایتی در رشد و انکشاف ولایات مربوط خویش کوشا باشند، چنین ولایت رشد و انکشاف می یابد. لذا شورا های ولایتی محلی است برای تجمع و همکاری افرادی که خواهان رشد و انکشاف بیشتر و بهتر اجتماعی اند. به الفاظی دیگر شهر پیشرفته و انکشاف یافته ایجاب می کند که افراد همان شهر با تدویر شورا ها و نهاد های مردمی رشد و انکشاف یافته باشند.

از طرفی دیگر، شورا های ولایتی زمینه را برای رشد و انکشاف افراد نیز مساعد می سازد. هرگاه افرادی از یک اجتماع در حاکمیت و در تماس شده و به دولت های محلی ارتباط قائم می کنند، خود این ارتباط می تواند قوهء درک و دانایی افراد را بلند ببرد.

همچنان در صورت ارتباط افراد با حاکمیت یا همان ادارات محلی، آگاهی افراد بلند رفته و معلومات جانبی شان در مورد اینکه در اطراف شان چه می گذرد نیز بالا می رود. این خود می تواند یک انکشاف قلمداد شود. زیرا آنچنان که گفته اند، معلومات قدرت است.

روشهای انکشاف اجتماعی برای تحقق انکشاف اجتماعی روشهای جداگانه، مختلف و حتی متفاوت از هم وجود دارد. تعدادی بر این باور اند که انکشاف اجتماعی گریز از بافت های سنتی یک جامعه و رفتن به طرف همدیگر پسندی و پذیرش شیوه های فکری و زنده‌گی اجتماعی بهتر دیگران در حد یک تفکر انسانی است. در این حالت می شود گفت که روش تقویت تحمل در وجود افراد، یگانه راه انکشاف اجتماعی است. اما انکشاف اجتماعی در ابعاد وسیع تر عبارت از رشد جسمی و ذهنی و اعتلای فرهنگی جوامع بشری نیز می باشد.

به خاطر رسیدن به کمال رشد اجتماعی نظر به تعریف دوم، راه های زیادی موجود است که تعدادی از آنان را می شود همزمان در پیش گرفت.

می شود روش رفع خلاء و اختلاف میان مردم و حاکمیت و یا همان دولت های محلی را به عنوان یک روش کارا به خاطر رسیدن به انکشاف اجتماعی دانست.

لابی گری یا همان رسانیدن خواست های مشخص مردم به گوش مسؤلین نیز روش دیگری است که مارا در آخر کار به انکشاف اجتماعی می رساند.

معمولاً روشهای انکشاف اجتماعی سه گونه اند:

1- روش های اداری معمول در کشور.

2- روشهای انتخابی (روش نمایندگی).

3- روش سهمگیری.

### 1- روش های اداری:

طرح و تنظیم امور از بالا به طرف پایان، یعنی پروگرام انکشافی محصول درک، تفاهم و تصامیم افراد معین اداری ارگانهای مربوط باشد.

به این معنی که پرسونل فنی و اداری ارگانهای مربوط شخصی و یا رسمی، با استفاده از معلومات دست داشته از جامعه، بدون بازپرسی از مردم محل به طرح و تطبیق پروگرام ها و پروژه ها بپردازند و یک معیار مشخصی را مطابق بودیجه و امکانات خود عیار ساخته و به تطبیق آن آغاز به کار کنند.

به طور مثال یک ارگان رسمی دولت و یا یک موسسه خیریه، مطابق امکانات دست داشته خود تصمیم می گیرد که چه تعداد مکاتب یا چه تعداد کلینیک های صحی را در فلان ولایت و در کدام ساحات ایجاد نماید.

وقتی چنین پروگرام و چنین پروژه بی تطبیق می گردد، از اینکه مطابق نیازمندی ها، مطابق خواسته ها و مشوره مردم نه بوده لذا مردم در تطبیق و مواظبت از این چنین پروگرام ها، همکاری لازم نه نموده و از اینکه مردم در تطبیق همچو پروگرامی صلاحیت و دخالت نه داشته اند، لذا در قسمت کیفیت و کمیت کار و حفاظت آن نیز خود را جوابده نه خواهند بود.

## 2- روش انتخابی:

معمولاً در کشور هایی صورت می گیرد که سیستم انتخابات معمول است و نماینده های منتخب با یادداشت کردن مشکلات جامعه، برای رفع نیازمندی های مردم اقدام می نمایند.

در این روش نیز احتمال ایجاد دو نوع مشکلات وجود دارد.

یکی اینکه مخالفین نماینده پیروز در انتخابات، باعث ایجاد مشکلات در تطبیق پروژه های مطرح شده وکلای رقیب خواهند کرد، و به این ترتیب یک مانع در تطبیق مؤفقانه پروژه ها برای شکست نماینده انتخاب شده خواهند شد.

و دیگر مشکلات ذات البینی و مخالفت های افراد محلی.

## 3- روش سهمگیری یا شورایی:



با استفاده از روش سهمگیری شورا ها، نیازمندی های اولیه جامعه پرسیده می شود بعداً طرح و دیزاین پلان ها به همکاری مردم صورت می گیرد.

خوبی این روش آنست که پروگرامهای مطرح شده مطابق به ذوق و خواست جامعه بوده و سبب جلب بیشتر همکاری مردم محل می گردد.

از آنجائیکه این پروگرام ها به همکاری مردم صورت می گیرد، با کیفیت کار مناسب و مطلوب بار می آید و با دخالت مردم به وجه خوب حفاظت خواهد شد.

لذا موفقیت و عدم موفقیت پروگرام ها، وابسته به همکاری و همبستگی مردم بوده احساس مسؤلیت و همکاری مردم جامعه برای حفظ و نگهداشت، برای تغیر و تحول مثبت در بخش های مختلف زندهگی اجتماعی و اقتصادی مردم نقش اساسی را دارا است.

برای اجرا و تطبیق موفقانه پروگرامها، مسؤولین امور باید مردم را از شروع الی ختم پروگرام ها بسیج ساخته و تنظیم نمایند. در صورتیکه جامعه درست تنظیم نه شده باشد، تطبیق پروژه ها وقت و مصارف زیادی را احتوا خواهد کرد.

به طور مثال یکی از مؤسسات، پروگرام اسفالت کوچه ها را در مربوطات ناحیه ششم شهر کابل، سال گذشته رویدست گرفت. در یک ساحه کار پروژه به همکاری و هماهنگی فعال شورای محلی کاملاً موفقانه تکمیل شد و

مردم بسیار خرسند اند. اما در عین نزدیکی همان ساحه که احتمالاً درست سروی نه شده و همکاری لازم مردم محل جلب نه گردیده بود، مشکلات ساحه و خواسته های برخی از ساکنان محل در نظر گرفته نه شده بود و مردم محل نیز کدام شورایی از خود نه داشتند. لذا پروژه مذکور از همکاری کمتر مردم محل برخوردار بود. کار پروژه با مخالفت لجوجانه و غیر صادقانه یکن از اهالی گذر، مبنی بر ادعای مالکیت بر قسمتی از راه عمومی عبوری مردم با سکتگی مواجه گردیده و پروژه مذکور نا تمام باقیماند.

اکنون بسیاری کوچه های مربوط این گذر اسفالت گردیده اما همین ساحه بسیار کوتاه و نزدیک به سرک عمومی از اسفالت بازمانده و مردم با مشکلات گرد و خاک و گل و لای روزمره در همه فصول سال مواجه اند. زیرا اهالی محل در طرح، تطبیق و حفاظت از این پروژه سهم نه بودند. لذا پروگرام مذکور در همین ساحه به ناکامی مواجه شد.

تهدید ها علیه شورا های ولایتی در افغانستان در کل یکی از چالش های موجود به خصوص در خارج از شهر ها همانا چالش های عدم امنیت است. این چالش به عنوان یکی از معضلات اساسی فرا راه شورا های ولایتی به خصوص در مناطق روستایی به حساب می آید.

ازاینکه مفهوم شورا های ولایتی به عنوان یک نهاد حکمی انتخابی در افغانستان کاملاً یک مفهوم جدید است، مردم به این شورا ها به عنوان نهاد های غیر مستقل نگاه می کنند و این خود می تواند یک تهدیدی جدی برای شورا های ولایتی در کشور محسوب شود.

حضور کم رنگ زنان در شورای های ولایتی به خصوص در ولایات دور دست که برخواسته از همان مشکل عدم امنیت است، تهدیدی دیگری است بر سر راه توازن جنسیتی در شورا های ولایتی.

با توجه به اینکه شورا های ولایتی به نحوی به عنوان نیروهای مشاوره، ولی با صلاحیت در سطح ولایات عمل می کنند و به اساس قانون باید هم عمل نمایند. اما احتمالاً برخی از تصامیم و اقدامات ضروری شورا های ولایتی برای امحای فساد مالی و اداری در ولایات مربوط، شاید عده یی از افرادی را که می خواهند با سوء استفاده از قدرت، منافع شخصی خود را به پیش برند و هم عده یی از نیروهای اجرائیوی را که با مسوولیت به این شورا ها نگاه نه می کنند، خشمگین سازد. این مسئله نیز به عنوان یک چالش و تهدید فراراه کار شورا های ولایتی در افغانستان محسوب می شود.

البته باید گفت که چالش های دیگری نیز فرا راه شورا های ولایتی قرار دارد، اما عمده ترین این چالش ها/تهدید هایی است که ذیلاً به آن اشاره می شود:

**مقاومت ها:**

جهت جلوگیری از مقاومت ها باید نکات ذیل رعایت گردد:

- اهداف شورا ها مفصلاً به دواير و ارگانهای مربوط شخصی و رسمی در مراحل اول کار روشن و واضح گردد.
  - اهداف شورا ها همچنان به مردم محل، افراد مذهبی، منتفدین محل و به اشخاص قابل احترام واضح گردد تا حمایت آنها را حاصل نماید.
- متأثر ساختن شورا ها از نفوذ برخی اشخاص و افراد**

:

معمولاً برخی اشخاص ثروتمند، تجاران و اشخاص با نفوذ علاقه دارند که اختیارات شورا ها را به وسیلهٔ تطمیع و تمویل مادی و پولی، به دست گرفته و از آن به نفع خود استفاده نمایند.

### **عدم مؤثریت:**

در صورتیکه اعضای شورا ها در شیوه های حل مشکلات، تنظیم امور و پلان سازی پروگرام های انکشافی آشنایی کامل نه داشته باشند، طرح و تطبیق پروگرام ها کدام مؤثریتی نه خواهد داشت.

مردم قریه جات، دهات و اهالی گذر معمولاً به گرفتن مسوولیت شورا علاقمندی نشان نه می دهند.

### **عدم رعایت پرنسیب های شورا ها:**

سؤ استفاده های شخصی و رسمی از نام و موقف شورا ها، تخلف از اصول و مقررات وضع شده و ضعف کاری هیأت رهبری شورا ها، باعث نفرت و انزجار

مردم و عدم همکاری آنان در طرح و تطبیق پروگرام ها می گردد که نیلأ به آن اشاره می گردد:

- تقلب و عدم موجودیت احساس همکاری لازم و فداکاری.
- استفاده از فواید شورا به شکل انفرادی و شخصی.
- استفاده سوء از شورا به غرض بهبود دوستان و اقارب شخصی.
- اختلاس در مسایل مالی و سوء استفاده از صلاحیت های کاری.

#### شیوه های جلوگیری از سوء استفاده ها:

یکی از شیوه های جلوگیری از سوء استفاده ها، تشکیل گروپ های کوچک، تدویر جلسات منظم و پیگیر و اختصار مراحل دورانی اداری می تواند جلو اختلاس ها و سوء استفاده ها را تا حد زیادی بگیرد.

لذا به خاطر جلوگیری از سوء استفاده ها، اعضای شورا باید به گروپ های خاص تقسیم گردند و هر گروپ وظایف محوله شان را طور جداگانه اجرا نموده طی جلسات گزارش آن را به اعضای شورا های مربوط ارائه دارند.



عده بی از اعضای شورای ولایتی تخار

شورا های ولایتی در روشنایی برخی

ن شورا های ولایتی

- احکام عمومی

### مبنی

**ماده اول:** این قانون به تأسی از احکام مندرج مواد یکصد و سی و هشتم و یکصد و سی و نهم قانون اساسی افغانستان به منظور تنظیم فعالیت های شورا های ولایتی و سایر امور مربوط به آن وضع گردیده است.

### هدف

: شورای ولایتی به حیث یک مجمع انتخابی به هدف ایجاد ساختاری که مشارکت و سهم گیری مردم و نهادهای جامعه مدنی را با ادارات دولتی در سطح ولایت تأمین و ادارات ولایتی را در امور مربوط مشوره دهد و نظارت کند، فعالیت می نماید.

### سلوک عضو شورای ولایتی

: عضو شورای ولایتی در اجرای وظایف خویش از ساکنین محل نماینده گی نموده، منافع علیای افغانستان را در نظر گرفته، صداقت، امانت داری و بی طرفی را معیار عمل قرار داده، نزد مردم خود را

مسئول پنداشته و نظر سایر اعضای شورا را احترام می‌نماید.

عضو شورای ولایتی بدون تبعیض و ملحوظات قومی، دینی، مذهبی، لسانی، جنسی و معلولیت، سلوک خویش را عیار نموده، از قانون حمایت و با نظر داشت اعتمادی که از طرف مردم بر وی شده است، عمل می‌نماید.

- وظایف و صلاحیت های شورای

ولایتی

### وظایف و صلاحیت ها

**چهار : شورای ولایتی دارای وظایف و صلاحیت**

های ذیل می‌باشد:

1. مشارکت در تعیین اهداف انکشافی حکومت در ساحات اقتصادی، اجتماعی، صحت، معارف، بازسازی و سایر امور مربوط به ولایت.
2. راییه مشوره در مورد استفاده مؤثر از منابع مالی ولایت.
3. مشارکت در حل اختلافات و منازعات قومی و محلی از طریق جرگه های اصلاحی.
4. راییه مشوره و تائید در مورد طرح پلان انکشافی ولایت و پلان پیش بینی شده قبل از پیشنهاد به حکومت.
5. سهمگیری فعال به طرق ممکنه برای از بین بردن رسوم و عنعنات مغایر شریعت اسلامی و قانون



- (ازدواج های اجباری، بد دادن زنها و امثال آن) و مساعی در تأمین حقوق بشر.
6. بازدید از محلات سلب آزادی بعد از اطلاع به مقامات مربوط، تحلیل و ارزیابی عملکردهای مراجع حراست از قانون و حقوق و ارایه گزارش در مورد، به اداره ولایت.
7. سهمگیری مؤثر و فعال در جلوگیری از زرع کوکنار، تولید، نگهداری و قاچاق مواد مخدر مسکرات و اعتیاد به آن و استعمال مسکرات از طریق آگاهی دادن از خطرات استعمال مواد مذکور، جلب همکاری مردم و مساعدت با مؤسساتی که در امور مبارزه علیه مواد مخدر و مسکرات فعالیت می نمایند.
8. مطالبه معلومات در رابطه به اجراءات و پلان کار اداره ولایتی و شعبات مربوط و تقدیم گزارش تجربوی به رئیس جمهور و شورای ملی.
9. بررسی پلان انکشافی و نحوه مخارج سالانه اداره ولایتی و ارایه معلومات آن به ساکنین ولایت مربوط از طریق رسانه های همگانی.
10. سهمگیری در حفظ آثار تاریخی و جلوگیری از تخریب، سرقت و قاچاق آن.

11. مشوره با ساکنین ولایت از طریق جلسات مشورتی عمومی حد اقل هر سه ماه یک بار و با والی و مسؤولین ادارات مربوط حد اقل ماه یک بار.
12. سهمگیری فعال و مؤثر به منظور حفظ محیط زیست و ممانعت از قطع اشجار و جنگلات و شکار وحوش و طیور.
13. سهمگیری شورا های ولایتی در تأمین روابط هماهنگ با شورا های ولسوالی ها و قریه ها.
14. سهمگیری فعال به منظور جلوگیری از غصب املاک عامه توسط افراد و اشخاص به همکاری مسؤولین ذیربط.

### وظایف روساء و اعضای شورا

:

- (1) رؤسای شوراهای ولایتی دارای وظایف ذیل می باشند:
  - 1- نماینده گی از شورا در سطح ولایت و خارج از آن.
  - 2- رهبری جلسات و شورا و ابلاغ مسایل مورد بررسی به اعضا.
  - 3- ارایه مشوره ها، تصامیم و مصوبات شورا به ادارات مربوط و حصول اطمینان از اجرای آن.
- (2) اعضای شورا دارای وظایف ذیل می باشند:
  - 1- مفاهمه، تبادل نظر و تعاطی افکار با مردم به منظور آگاهی از مشکلات آنها.

2- اشتراک در جلسات و سهم گیری در حل مسایلی که در اجلاس شورای مربوط مورد بررسی قرار می گیرد.

(3) سعی مستمر برای ایجاد ادارهء سالم و سعی غرض ارتقای ظرفیت های عرضهء خدمات با کیفیت و سریع ، مبارزه علیه ارتشاء، فساد اداری و سایر نارسایی ها در ادارات مربوط.

- اجلاس شورا های ولایتی

### پس، معاون و منشی

: شورای ولایتی در اولین اجلاس خود که تحت ریاست مسن ترین عضو شورا دایر می گردد، از بین اعضای خویش رییس، معاون و منشی شورا را برای مدت یکسال انتخاب می نماید.

هر گاه یکی از کاندیدان در مرحلهء اول به کسب اکثریت کل آرا نایل نه گردد، رای گیری برای دور دوم بین دو کاندیدی که بیشترین آرا را به دست آورده اند، صورت می گیرد. در این مرحله کاندیدایی که بیشترین آرا را به دست آورد، به حیث رییس شورا انتخاب می گردد.

در صورت تساوی آرا در این مرحله، کاندیدی که بیشتر تحصیل را داشته باشد به حیث رییس شورا انتخاب می گردد.

### هفت :

(1) نصاب تدویر جلسات شورای ولایتی حضور حداقل اکثریت تمام اعضای آن می باشد.

(2) تصامیم و مصوبات شورا به رأی دو ثلث اعضای حاضر در جلسه، اتخاذ می گردد.

### علنیت و سری بودن جلسات

هشتم: مجالس شورای ولایتی طور علنی دایر می

گردد، مگر این که ثلث اعضای شورا، سری بودن آن را تقاضا نمایند.

### نهم:

(1) جلسه عمومی شورای ولایتی پانزده روز هر ماه یکبار دایر می گردد. جلسات فوق العاده ی شورا به پیشنهاد یک ثلث اعضا یا رییس آن و یا در صورت پیشنهاد والی به رییس شورا و موافقه وی دایر شده می تواند.

(2) اجلاس شورای ولایتی در مرکز ولایت دایر و گزارش و فعالیت های شورای مربوط در اخیر هر ربع سال از طریق رسانه های همگانی به اطلاع ساکنین محل رسانیده می شود.

فصل چهارم: تعلیق و انحلال شورای ولایتی

### حالت تعطیل

**دهم:** هر گاه مطابق حکم مندرج ماده (۱۴۳) قانون اساسی افغانستان در یک و یا چند ولایت حالت اضطرار اعلان گردد، شورا و یا شوراهای مربوط تعطیل و والی طبق دساتیر و هدايات مقام ریاست جمهوری، تدابیر لازم را جهت اداره ی امور ولایت اتخاذ و با رفع حالت اضطرار، شورا دوباره به فعالیت خود آغاز می نماید.

### یازدهم: هر گاه شورای ولایتی مخالف احکام

قانون اساسی و این قانون طوری عمل نماید که امن و نظم عامه، مورد تهدید واقع گردد، شورا یا شوراها تعلیق و موضوع توسط هیأت مؤظف که از طرف رییس جمهور به اشتراک اعضای انتخاب شده از طرف شورای ملی، تعیین می شود، بررسی شده و در صورتی که در نتیجه تحقیقات ثابت شود که اعضای شورا از وجایب قانونی خویش تخلف ورزیده اند، بالآثر پیشنهاد هیات و تایید ستره محکمه، رییس جمهور با صدور فرمان، انحلال شورا و انتخابات مجدد را امر می نماید.

## شکایت علیه

### دوازدهم:

(1) شکایت علیه عضو شورا با ذکر دلایل و مدارک اثباتیه و شهرت شاکی به اداره محل ارایه می گردد، اداره محل بدون ذکر شهرت شاکی، موضوع را به رییس شورای مربوط محول می نماید.

در صورتی که شکایت متوجه رییس شورا باشد، اداره محل شکایت را مستقیماً به کمیته ضوابط اخلاقی مندرج ماده چهاردهم این قانون ارایه می دارد.

(2) هرگاه شکایت وارده ناشی از عدم رعایت مکلفیت های قانونی عضو شورا باشد، رییس شورا موضوع را غرض بررسی و تحقیقات به کمیته ضوابط اخلاقی راجع می نماید. کمیته موضوع را در خلال هفت روز به وی ابلاغ نموده و عضو شورا مکلف است در خلال پانزده روز جواب مقنع ارایه نماید. در صورت عدم ارایه جواب مقنع، حسب احوال به عضو شورا توصیه یا اخطار صادر می گردد.

### ارتکاب جرم

سیزدهم: عضو شورای ولایتی در حالت ارتکاب جرم توسط محکمه ذیصلاح، محاکمه شده می تواند.

### کمیته ها

چهاردهم: شورای ولایتی غرض نظارت بر ضوابط اخلاقی اعضای شورا، از بین خود کمیته متشکل از سه عضو را ایجاد می نماید و شورای ولایتی

عندالضرورت کمیته های دیگری را نیز ایجاد کرده می تواند.

### تعلق کرسی

**پانزدهم:** در صورت وفات، استعفاء یا عزل عضو شورا و یا مرضی ای که مانع اجرای وظیفه وی شود، کرسی او برای میعاد باقی مانده طبق لست مرتبهء کمیسیون مستقل انتخابات، به کاندیدای بعدی دارای بیشترین آراء، از عین جنس تعلق می گیرد. در صورتیکه عضو شورای ولایتی ترور گردد، کرسی وی الی ختم دوره نمایندگی خالی باقی میماند.

### امتیازات

**شانزدهم:** برای اعضای شوراهای ولایتی، معاش مناسب مطابق به احکام قانون تعیین می گردد.

### نیازمندی شور

**هفدهم:** امور اداری و خدماتی شورا از طرف ولایت مربوط تهیه و تنظیم می گردد.  
- احکام متفرقه

### ارایه معلومات

**هجدهم:** نماینده گی های وزارت ها و ریاست های عمومی مستقل مرکزی موظف اند، عندالضرورت معلوماتی را که در موارد مشخص از طرف شورا مطالبه می گردد، حد اکثر الی مدت ده روز در حدود احکام قانون ارایه نمایند.

### همکاری شورا

**نزدهم:** موضوعاتی که رسیده گی و حل و فصل آن ایجاب همکاری شوراهای متعدد ولایتی را نماید، صلاحیت رسیده گی آن به هیاتی واگذار می شود که عندالضرورت از طرف شوراهای ولایات نیدخل تشکیل می گردد.

**ماده بیستم:** عضو شورای ولایتی در جریان تصدی وظیفه نمی تواند به استثنای تدریس به امور رسمی دیگری اشتغال ورزد.

### مصوونیت و امنیت

**ماده بیست و یکم:** وزارت امور داخله و سایر مراجع ذیربط امنیتی برای تأمین امنیت و مصوونیت اعضای شورای ولایتی و دفاتر مربوط آن تدابیر لازم اتخاذ مینمایند.

### حضور و غیاب

**ماده بیست و دوم:** امور مربوط به حضور و غیاب اعضای شورای ولایتی در طرز العمل مربوطه آن تنظیم می گردد.

### مهر و نشریه

**ماده بیست و سوم:**

- (1) شورای ولایتی دارای مهر مخصوص میباشد.
- (2) شورای ولایتی میتواند دارای نشریه باشد.

### تاریخ انفاذ



**ماده بیست و چهارم:** این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد و با انفاذ آن قانون شورا های ولایتی منتشره جریده رسمی شماره (860) مؤرخ 1384/5/31 ملغی می گردد.